

تحلیل وضعیت اقتصادی کشور

۸. ارکان سیاستگذاری برای برونرفت

از شرایط رکود تورمی

مرکز پژوهش‌های مجلس با هدف ارائه تحلیل‌های جامع از وضعیت اقتصادی کشور سعی دارد با اخذ نظرات خبرگان جامعه علمی کشور در موضوعات مختلف اقتصادی، اقدام به انتشار آنها در قالب گزارش‌های موضوعی جهت اطلاع و بهره‌مندی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و صاحب‌نظران و سیاستگذاران کند. گزارش حاضر درباره راهکارهای برونرفت از رکود تورمی توسط آقای دکتر عباس شاکری استاد محترم دانشگاه علامه طباطبایی تهیه شده است.

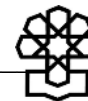
معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۳۸۱۶
مردادماه ۱۳۹۳

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۳.....	مقدمه
۴.....	۱. تبیین وضعیت رکود تورمی در اقتصاد ایران با استفاده از آمارهای موجود
۷.....	۲. ضرورت اصلاح دیدگاه های ناصحیح به اقتصاد؛ نخستین رکن اساسی سیاستگذاری برای خروج از رکود تورمی
۱۰.....	۳. در نظر گرفتن شرایط ساختاری؛ دومین رکن اساسی سیاستگذاری به منظور برون رفت از شرایط رکود تورمی
۱۰.....	۱-۳. وابستگی تولید به واردات و فقدان سیاستگذاری های مناسب ارزی
۱۱.....	۲-۳. عدم پویایی و خودتعدیل شونددگی تکنولوژی تولید در اقتصاد ایران
۱۱.....	۳-۳. گسترش فعالیت های نامولد و هدایت منابع مالی به سمت آنها
۱۲.....	۴-۳. عدم دسترسی بنگاه های تولیدی به نقدینگی و بالا بودن نرخ بهره
۱۴.....	۵-۳. ضعیف بودن حمایت از تولید
۱۶.....	۶-۳. عدم تناسب میان فعالیت ها و اندازه بنگاه ها و نبود تعامل های مکمل میان صنایع مختلف
۱۸.....	۷-۳. فقدان سیاستگذاری های صحیح تجاری
۱۸.....	۸-۳. ضعف تحقیق، توسعه، نوآوری و ابداع در بنگاه های صنعتی
۱۹.....	۴. ضرورت لحاظ متغیرهای اقتصاد سیاسی؛ سومین رکن اساسی سیاستگذاری خروج از رکود تورمی
۲۰.....	۵. راهکارها و پیشنهادهای خروج اقتصاد ایران از شرایط رکود تورمی
۲۴.....	منابع و مأخذ



تحلیل وضعیت اقتصادی کشور

۸. ارکان سیاستگذاری برای برون‌رفت از شرایط رکود تورمی

چکیده

چندی است که اقتصاد ایران از رکود تورمی رنج می‌برد و نرخ‌های رشد پرنوسان و بعضاً منفی، حکایت از گرفتار شدن اقتصاد کشور در دام رشد پایین و اندک دارد. این گزارش، ضمن تبیین وضعیت رکود تورمی، نشان داده است که برون‌رفت از این شرایط میسر نیست مگر آنکه سه رکن اساسی سیاستگذاری مدنظر قرار گیرد. این سه رکن عبارتند از:

۱. اصلاح دیدگاه‌های نادرست به اقتصاد،

۲. در نظر گرفتن شرایط ساختاری اقتصاد،

۳. لحاظ متغیرهای اقتصاد سیاسی.

ضرورت اصلاح دیدگاه‌های ناصحیح به اقتصاد

نگاه اکثر مسئولین به اقتصاد، نگاهی پولی است. در این طرز فکر، تورم پدیده‌ای است در سطح کلان که ریشه در نقدینگی دارد و نقدینگی نیز به نوبه خود معلول رشد پایه پولی است. رشد پایه پولی نیز عمدتاً تحت تأثیر حجم بدهی دولت و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی قرار دارد.

در این دیدگاه، بدهی دولت به بانک مرکزی منعکس‌کننده کسری بودجه است که به نوبه خود ریشه در ارزان فروختن کالاها و دارایی‌های دولتی دارد، لذا پیشنهادهایی که طرفداران این دیدگاه برای حل این مسئله ارائه می‌دهند عبارتند از: افزایش نرخ ارز، حذف یارانه‌های انرژی و افزایش قیمت کالاها و خدمات عمومی. همچنین بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز معلول مازاد تقاضای تسهیلات است که براساس این دیدگاه با افزایش نرخ بهره مرتفع می‌شود.

لذا چنین دیدگاهی هم مجوز برای شوک درمانی می‌دهد، هم بی‌ثباتی قیمت‌های کلیدی را تجویز می‌کند و هم برای برون‌رفت از رکود تورمی، سیاست‌های پولی و مالی انقباضی اعمال می‌کند تا تورم را کاهش دهد و معتقد است که رکود نیز با نیروهای خود اصلاح از بین خواهد رفت. لذا یکی از دلایل ماندگاری و تشدید رکود تورمی، نگاه‌های غیرصحيح به مسائل اقتصاد ایران است و ایرادات و خدشه‌های جدی بر این دیدگاه وجود دارد که به‌طور مبسوط در گزارش تشریح شده‌اند. برخی از مهمترین ایرادات این دیدگاه عبارتند از:

۱. در اقتصاد ایران که اکثر قیمت‌ها به‌طور مستمر در حال افزایش است تغییر چند قیمت کلیدی، سایر قیمت‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. حال آنکه در این دیدگاه، اظهار می‌شود که تورم، در سطح کلان موضوعیت دارد و نه در سطح خرد.
۲. در این دیدگاه، تورم ناشی از فشار هزینه (افزایش نرخ ارز، قیمت حامل‌های انرژی، نرخ بهره، قیمت مواد اولیه و...)، شوک درمانی‌ها، قدرت قیمتگذاری دلخواه و تضادهای توزیعی موضوعیت ندارند که خلاف واقعیات مشهود اقتصاد ایران است.
۳. هنگامی می‌توان تورم را صرفاً در افزایش نقدینگی تحلیل کرد که پول کاملاً فعال بوده، سرعت گردش پول ثابت و تابع تقاضای پول باثبات باشد. اما در اقتصاد ایران، بخشی از پول منفعل است؛ سرعت گردش پول سیال بوده و تابع تقاضای پول نیز باثبات نیست.
۴. بدهی دولت و کسری بودجه به‌دلیل قیمت پایین ارز و انرژی نیست و ریشه در وضعیت ناصحیح مالیات‌ستانی و عدم شفافیت بودجه (خصوصاً هزینه‌های دولت) دارد.
۵. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز معلول استفاده‌های سوداگرانه پرسود از نقدینگی توسط عوامل نامولد و سوداگر است.

در نظر گرفتن شرایط ساختاری اقتصاد

لحاظ جنبه‌های ساختاری اقتصاد ایران، هم به‌خوبی حکمفرما شدن شرایط رکود تورمی را توضیح می‌دهد و هم نشان می‌دهد که برون‌رفت از این وضعیت، مستلزم نگاه‌های واقع‌بینانه و رعایت شرایط ساختاری است که در گزارش حاضر به آن پرداخته شده است. برخی از مهمترین شرایط ساختاری اقتصاد ایران که در گزارش مورد بحث و بررسی قرار گرفته عبارتند از: وابستگی تولید به واردات و فقدان سیاستگذاری‌های مناسب ارزی، عدم پویایی و خودتعدیل‌شوندگی تکنولوژی آنها، عدم دسترسی بنگاه‌های تولیدی به نقدینگی و بالا بودن نرخ بهره، ضعیف بودن حمایت از تولید، عدم تناسب میان فعالیت‌ها و اندازه بنگاه‌ها و نبود تعامل‌های مکمل میان صنایع مختلف، فقدان سیاستگذاری‌های صحیح تجاری و ضعف تحقیق، توسعه، نوآوری و ابداع در بنگاه‌های صنعتی.

ضرورت لحاظ متغیرهای اقتصاد سیاسی

تنگناهای متعددی نیز از جنبه اقتصاد سیاسی در اقتصاد ایران وجود دارد که در این گزارش به معرفی و تشریح آنها پرداخته شده است. از عدم شفافیت بودجه، گستردگی و سازمان‌یافته بودن قاچاق، افزایش فساد، غیرشفاف بودن عملکرد نظام بانکی، زمین‌خواری‌های گسترده و تبدیل اراضی



کشاورزی به مناطق مسکونی به‌عنوان برخی از مهمترین متغیرهای اقتصاد سیاسی می‌توان یاد کرد که سیاستگذاری برای خروج از شرایط رکود تورمی بدون مدنظر قرار دادن آنها، نتیجه رضایت‌بخش و مطلوبی در پی نخواهد داشت.

راهکارهای پیشنهادی برای خروج از رکود تورمی

در این گزارش با توجه به سه رکن اساسی سیاستگذاری، یعنی توجه به اصلاح نگاه‌های ناصحیح، لحاظ شرایط ساختاری و متغیرهای اقتصاد سیاسی، مجموعه‌ای از اقدامات و راهکارها برای خروج از شرایط رکود تورمی تشریح شده است: جهت‌دهی منابع پولی و مالی به سمت فعالیت‌های مولد با این شرط که در برنامه‌های افزایش تولید و ارتقای کیفیت و فناوری هزینه شود، کارآمد کردن بازار سرمایه و بورس از طریق ایجاد اطلاعات متقارن و حذف رانت‌های انحصاری، به‌عنوان گامی اساسی برای تأمین نیازهای مالی بخش تولید.

اعمال کنترل قیمت نهاده‌های تولید، حذف واسطه‌گری‌های چندلایه در تأمین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، اتخاذ سیاست‌های تجاری مناسب در جهت حمایت از تولید داخلی و رفع انحصار در واردات نهاده‌ها و جلوگیری از واردات کالاهای رقیب تولید داخل نیز از دیگر اقداماتی است که بخشی از موانع حوزه تولید را مرتفع خواهد کرد.

پرهیز از شوک درمانی برای تأمین کسری بودجه، فعال‌سازی تعاونی‌های مسکن جهت خارج کردن این بخش از رکود، مهار بخش نامولد، ایجاد امنیت برای مشاغل خودگردان با تأکید بر بخش کشاورزی و دامداری و مسدود کردن منافذ رانت و فساد نیز از مهمترین راهکارهایی است که به صورت یک بسته منسجم باید مدنظر مسئولین و سیاستگذاران قرار گیرد.

مقدمه

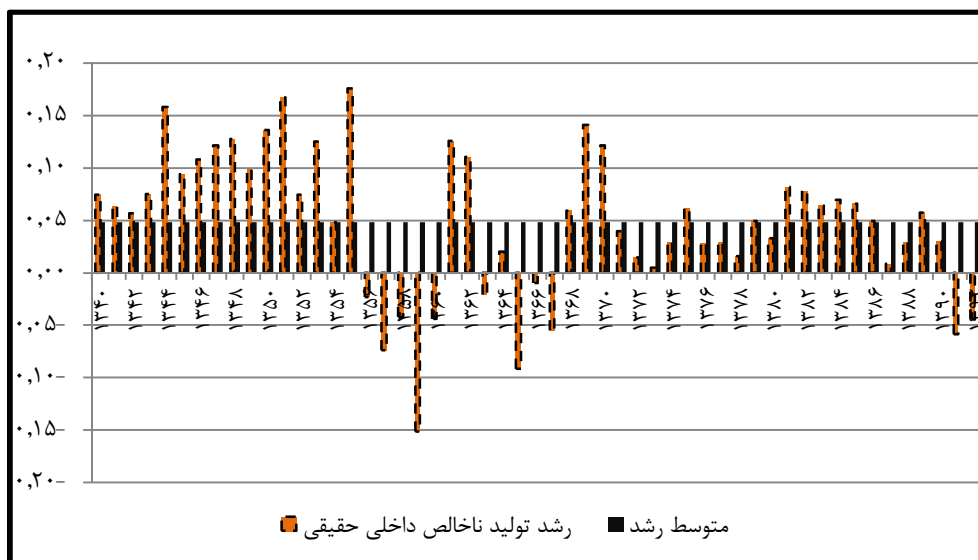
رکود تورمی به معنی رخداد همزمان رکود و تورم در اقتصاد است وقتی این دو پدیده نامطلوب با هم همراه می‌شوند دیگر بده - بستان میان تورم و چارچوب تحلیلی منحنی فیلیپس ساده موضوعیت ندارد و باید ریشه مشکل را در طرف عرضه اقتصاد ردیابی کرد. اساساً رکود تورمی با انتقال منحنی عرضه کل به سمت بالا و چپ بروز می‌کند و بنابراین علل بروز آن، همان عوامل انتقال‌دهنده منحنی عرضه کل هستند. لذا به هیچ وجه نمی‌توان با نگاه صرف به طرف تقاضا، رکود تورمی را تحلیل، تبیین و چاره‌جویی کرد، مگر اینکه گفته شود بی‌انضباطی‌های پولی، زمینه‌ای در اقتصاد فراهم کرده است که تورم و انتظارات تورمی بی‌ثبات شوند و هزینه‌های تولید و قیمت نهاده

بر اساس شاخص‌بندی بیش از حد^۱، بیش از حد تناسب تورم افزایش یابد. درحالی که نرخ سود بانکی، نرخ دستمزد و... در بسیاری از موارد همراه با تورم به‌طور کامل تعدیل نشده‌اند. در این بررسی ابتدا با استفاده از آمارهای موجود، وضعیت رکود تورمی در اقتصاد ایران مشخص شده، سپس علل این مشکل از منظر نگاه‌های ناصحیح به اقتصاد، وضعیت ساختاری اقتصاد ایران و اقتصاد سیاسی تبیین و در نهایت، راهکارهای پیشنهادی ارائه شده است.

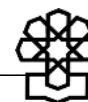
۱. تبیین وضعیت رکود تورمی در اقتصاد ایران با استفاده از آمارهای موجود

اساساً نرخ‌های رشد پایین‌تر از روند رشد تولید ناخالص ملی با رکود متناظر است، درحالی که عده‌ای به اشتباه تنها نرخ‌های رشد منفی را با رکود متناظر می‌بینند. وضعیت روند رشد تولید ناخالص ملی و رشد تحقق یافته در دهه‌های گذشته در نمودار ذیل آورده شده است.

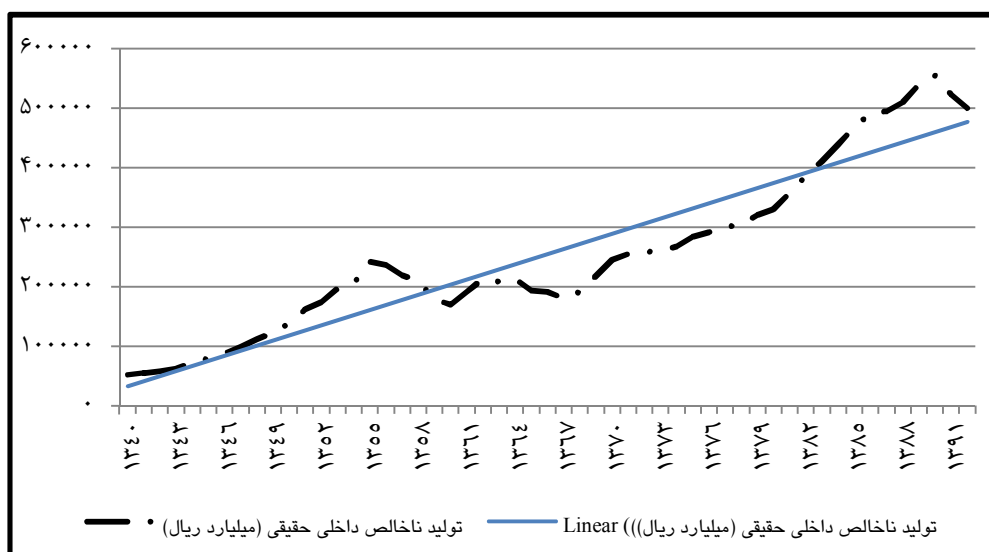
نمودار ۱. روند رشد تولید ناخالص داخلی و رشد تحقق یافته



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



نمودار ۲. نوسانات حول روند تولید ناخالص داخلی حقیقی در ایران



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سری‌های زمانی.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با توجه به شرایط توسعه‌یافتگی کشور روند رشد بسیار کند و با شیب محدود است و سال‌هایی که رشد اقتصادی، پایین‌تر از روند بوده است قابل ملاحظه و زیاد است، لذا ملاحظه این وضعیت روند رشد گویای این است که طرف عرضه اقتصاد با مشکل مواجه است و اگر اقتصاد در مدار رشد و توسعه قرار گرفته بود وضعیت رشد، بسیار متفاوت بود. از طرف دیگر نوسان شدید تجربه شده در رشد اقتصادی کشور گویای این است که ساختار اقتصاد و طرف عرضه آن برای یک رشد قابل ملاحظه مستمر و با تغییرپذیری محدود تعدیل و اصلاح نشده است و نوسانات این‌گونه، فی‌نفسه دلالت بر ضعف تولید و عرضه اقتصاد دارد.

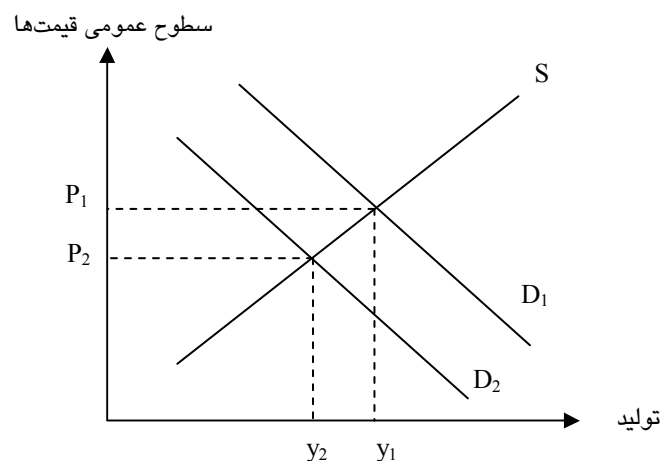
اگر کیفیت و ترکیب تولید، ترکیب و کیفیت صادرات و واردات و فعالیت‌های اقتصادی هم در نظر گرفته شود، نبود پویایی تولید کیفی خودنمایی خواهد کرد. یعنی وقتی صادرات ما عمدتاً شامل مواد خام و فرآورده‌های با ارزش پایین مصرفی، نفتی و گاز و پتروشیمی و کالاهای سنتی باشد، وقتی فعالیت‌های نامولد و مزاحم در اقتصاد گسترده باشد، نوآوری و رشد فناوری و تأمین رقابت‌پذیری محدود باشد، زمینه‌های رشد بالا و مستمر محدود خواهد بود.

ذکر این نکته ضروری است که عده‌ای معتقدند اقتصاد کشور موقتاً با رکود مواجه شده است و قبلاً هم وضعیت همین‌طور بوده و نیروهای خوداصلاح اقتصاد، دوباره اقتصاد را به وضعیت رشد مثبت بازمی‌گردانند. این افراد رکود را صرفاً مترادف با رشد منفی تلقی می‌کنند که به هیچ وجه صحیح نیست. اساساً آمارهای رشد اقتصادی کشور بیانگر این است که اقتصاد، رونق قابل توجهی را تجربه نکرده است اما طبق دیدگاه فوق همه رشدهای مثبت متناظر با رونق است. حتی

اگر خط رشد صفر را خط روند در نظر بگیریم نوسانات تجربه شده حول این خط هیچ تقارن و رفتار سینوسی که نمایانگر کارکرد نیروهای خوداصلاح باشد نشان نمی‌دهد. بنابراین باید پذیرفت که اقتصاد با رکود تورمی مواجه است و رکود تورمی مربوط به مشکلات طرف عرضه است، لذا به هیچ وجه نمی‌توان با اعمال سیاست‌های پولی و مالی انقباضی، رکود و تورم را به‌طور توأمان از میان برد. البته اعمال سیاست‌های مذکور متناسب به اندازه حرکت روی منحنی عرضه به سمت عقب به طور محدود تورم را کاهش می‌دهد اما وضعیت رکود را بدتر می‌کند.

نمودار ۳. اعمال سیاست‌های انقباضی طرف تقاضا؛

کنترل تورم - تشدید رکود



توضیحات: اگر فرض شود که در تعادل اولیه اقتصاد، سطح قیمت‌ها و تولید به ترتیب p_1 ، y_1 باشد و اشتغال کامل در سطح y_F برقرار شود، آنگاه اقتصاد در تعادل اولیه، به اندازه $y_F - y_1$ شکاف رکودی دارد. چنانچه برای کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، از سیاست پولی و مالی انقباضی استفاده شود، منحنی تقاضای کل از D_1 به D_2 انتقال یافته و به‌طور محدود، از سطح عمومی قیمت‌ها کاسته می‌شود اما بر شکاف رکودی افزوده می‌شود.



۲. ضرورت اصلاح دیدگاه‌های ناصحیح به اقتصاد؛ نخستین رکن اساسی سیاستگذاری برای خروج از رکود تورمی

به لحاظ نوع نگاه متصدیان امور اقتصادی باید گفت که نگاه غالب دولت به اقتصاد، نگاه پولی آن هم به شکل محدود و سطحی آن است. این دیدگاه پولی در تبیین تورم مدعی است که تورم یک مقوله کلان است و بنابراین علت آن هم یک پدیده کلان است لذا نمی‌توان با پرش قیمتی چند کالا و بی‌ثبات شدن بعضی متغیرهای کلیدی بحث تورم را به میان آورد. چنین تحلیلی از تورم با تعارض همراه است زیرا تورم یک مقوله کلان است و برای تبیین و تحلیل آن، از تحلیل‌های سطح خرد استفاده می‌شود. بر اساس دیدگاه مذکور، اینکه قیمت بعضی کالاها چند برابر شود یا به‌طور قابل ملاحظه افزایش یابد و این مسئله، سرآغاز یا علت بروز تورم دانسته شود تحلیلی مبتنی بر تعارض ماهوی است. تورم را باید در سطح کلان ریشه‌یابی کرد، لذا این طرز فکر علت تورم را در چارچوب نظریه پولگرایی ساده متغیر کلان نقدینگی معرفی می‌کند، سپس علت‌های رشد نقدینگی را شمرده و اشاره‌های سیاسی را برای آن ارائه می‌کند.

قبل از اینکه علل رشد نقدینگی از دیدگاه مذکور تبیین شود، بعضی از ایرادهای جدی که بر این نگاه بر تورم وارد است، تشریح می‌شود. طبق تعریف، تورم عبارت است از رشد شاخص قیمت‌ها، شاخص قیمت‌ها هم عبارت است از میانگین وزنی از نسبت قیمت سال موردنظر به سال قبل صد‌ها کالا و خدمات. لذا اگر قیمت چند کالا نسبت به قبل افزایش یابد بسته به وزنی که این کالاها در سبد کالایی دارند شاخص قیمت‌ها و بنابراین رشد آن افزایش می‌یابد و مسلماً اگر کالاهای مذکور، کالاهای اساسی و کلیدی باشند قیمت کالاهای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته در دیدگاه مورد اشاره تورم عبارت است از افزایش مستمر و همه‌گیر قیمت‌ها و با تغییر چند کالا نمی‌توان بحث از تورم کرد. اما وقتی در اقتصادی، قیمت کم‌وبیش همه کالاها به‌طور مستمر در حال افزایش است، تغییر چند قیمت کلیدی معمولاً در فضای بی‌ثبات قیمت‌ها، سایر قیمت‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

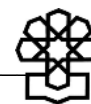
اینکه برای تورم و توضیح آن از افزایش بعضی قیمت‌ها استفاده شود به تحلیل مبتنی بر تعارض تعبیر شود بسیار تأمل برانگیز است. مکاتب جدید کلان اساساً به دنبال آن هستند که برای پدیده‌های کلان، پایه خرد ارائه کنند. لنس تیلور در تبیین پدیده تورم علاوه بر جاذبه تقاضا و فشار هزینه، تضادهای توزیعی و قدرت قیمتگذاری دلخواه مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم را عامل بروز تورم می‌داند. منظور از تضادهای توزیعی این است که صاحب هر کالا یا نهاده‌ای قیمت خود را بالا می‌برد تا سهم بالنسبه بیشتری از محصول کل را به‌دست آورد و وقتی

همه این‌گونه عمل کنند تورم و پویایی‌های آن تقویت می‌شود و عامل ناهمزمانی و ناهماهنگی باعث می‌شود که همه انگیزه داشته باشند تا قیمت خود را بالا ببرند، زیرا اگر همه هماهنگ و همزمان این کار را انجام دهند هیچ کس نمی‌تواند انتظار داشته باشد که با بالا بردن قیمت، سهم بیشتری از محصول کل عایدش می‌شود. اما وقتی همه به‌طور ناهمزمان و ناهماهنگ قیمت خود را بالا می‌برند در کوتاه‌مدت، جابجایی نسبی سهم‌های هر کدام از محصول ملی اتفاق می‌افتد. یا در جای دیگر لنس تیلور به وجود قدرت قیمتگذاری دلخواه اشاره می‌کند و معتقد است چون بازارهای عمیق رقابتی در چنین اقتصادهایی وجود ندارد صاحبان کالا و خدمات قدرت قیمتگذاری دارند و در مواقع مقتضی به‌طور دلخواه آن را بالا می‌برند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این‌ها همه تحلیل‌هایی در سطح خرد است و عوامل مذکور، عوامل شکل‌دهنده تورم در سطح خرد هستند.

نکته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که اگر تورم صرفاً در چارچوب نظریه پولی تحلیل شود تنها علت تورم، نقدینگی است و طبیعتاً تورم ناشی از فشار هزینه‌ها، تورم‌های ناشی از شوک درمانی‌ها، قدرت قیمتگذاری دلخواه و نقش تضادهای توزیعی موضوعیت خود را از دست می‌دهد و این خلاف واقعیات مشهود اقتصاد ایران است. به لحاظ نظری وقتی تورم انحصاراً در افزایش نقدینگی صرف، تحلیل و ریشه‌یابی می‌شود که اولاً پول در اقتصاد به‌طور کامل فعال^۱ باشد، سرعت گردش پول ثابت باشد و تابع تقاضای پول تابعی باثبات باشد. در اقتصاد ایران بخشی از پول منفعل است سرعت گردش پول بسیار سیال است و تابع تقاضای پول هم از ثبات لازم برخوردار نیست.

البته هیچ کس نقش نقدینگی را در بی‌ثباتی قیمت‌ها نفی نمی‌کند، اما اینکه بگوییم اگر متغیرهای کلیدی پرش نموده و بی‌ثبات شود، اگر هزینه‌های تولید به شدت افزایش یابد، اگر عوامل قیمتگذار دلخواه پس از شوک درمانی‌ها و شکل‌گیری فضای تورمی، قیمت‌های بخش خود را بالا ببرند، اما نقدینگی افزایش نیابد تورم حادث نمی‌شود به هیچ وجه قابل قبول نیست. وقتی سیاست‌های تورم‌زا و شوک درمانی در اقتصاد انجام شود انعطاف سرعت گردش پول و وجود پول منفعل در اقتصاد، مجال بروز تورم‌های بالا را فراهم می‌کند حتی اگر پول جدیدی خلق نشود. اما معمولاً باید با بروز تورم، پول منفعل هم خلق شده و همراهی کند. به همین دلیل هم باید گفت تحلیل فوق که به ظاهر مبتنی بر نظریه پول‌گرایی است، در واقع دیدگاهی محدود و سطحی به مسئله است.

دیدگاه و تفکر مذکور بعد از اینکه تورم را به‌طور مطلق معلول نقدینگی دانست دلایل رشد نقدینگی را در رشد پایه پولی می‌داند (که حرف صحیحی است)، رشد پایه پولی هم معلول رشد



بدهی دولت به بانک مرکزی و رشد بدهی بانکها به آن است. بدهی دولت به بانک مرکزی معلول کسر بودجه و کسر بودجه به خاطر این حادث می‌شود که دولت کالاها و دارایی‌های خود را به قیمت ارزان می‌فروشد، بنابراین باید نرخ ارز را بالا برد و یارانه انرژی را حذف کرد و قیمت کالاها را افزایش داد تا کسری بودجه دولت مرتفع شود. این دیدگاه، بدهی بانکها را معلول عدم تعادل در عرضه و تقاضای تسهیلات می‌داند و چون مازاد تقاضای تسهیلات وجود دارد باید نرخ بهره را بالا برد تا عدم تعادل مذکور مرتفع شود و تقاضای مردم برای وام و بنابراین بدهی بانکها به بانک مرکزی کاهش یابد. الان هم گفته می‌شود که با اعمال سیاست انقباضی پولی و مالی دولت تورم را کاهش داده است و تنها مسئله باقی مانده رکود است. رکود هم به خاطر کم شدن رشد منفی سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۱ رو به بهبود است.

بر این دیدگاه هم خدشه‌های زیادی وارد است. اولاً بدهی دولت و کسر بودجه آن به خاطر قیمت پایین ارز و انرژی نیست. اساساً کسر بودجه دولت مربوط به وضعیت مالیات‌ستانی ناصحیح و عدم شفافیت بودجه، مخصوصاً شفافیت و صحت هزینه‌های دولت است. بدهی بانکها به بانک مرکزی نیز معلول استفاده‌های سوداگرانه پرسود از نقدینگی برای عوامل نامولد و سوداگر است. در اقتصادی که عایدی سرمایه‌ای^۱ بسیار بالاست و تورم هم به‌طور مستمر بالاست، تقاضا برای وام به منظور اهداف سوداگرانه همیشه بالاست.

بنابراین چنین دیدگاهی، هم مجوز برای شوک درمانی را ارائه می‌دهد، هم بی‌ثباتی قیمت‌های کلیدی را تجویز می‌کند، هم پایین آمدن نرخ ارز را بی‌ثباتی بازار، اما بالا رفتن نرخ ارز را منطقی می‌داند و هم برای برون‌رفت از رکود تورمی، سیاست انقباضی پولی و مالی اعمال می‌کند تا تورم را کاهش دهد و معتقد است که رکود هم با نیروهای خوداصلاح از بین خواهد رفت. اما سیاستگذاران کشور در ماه‌های اخیر حتی به این نظریه هم به‌طور کامل پایبند نبوده‌اند و برای پایین نگه داشتن قیمت‌ها به سرکوب قیمت تولیدکننده مستمسک شده‌اند که این خود می‌تواند استعدادهای تورمی را بیش از پیش تقویت نموده و به ماندگاری و استمرار و حتی تشدید آن کمک کند.

جدول ۱. شاخص قیمت‌های تولیدکننده

عنوان	اردیبهشت ۱۳۹۲	خرداد ۱۳۹۲	تیر ۱۳۹۲	مرداد ۱۳۹۲	شهریور ۱۳۹۲	مهر ۱۳۹۲	آبان ۱۳۹۲	آذر ۱۳۹۲	دی ۱۳۹۲	بهمن ۱۳۹۲	اسفند ۱۳۹۲	فروردین ۱۳۹۳
شاخص	۴۴۸/۸	۴۵۷/۹	۴۷۴/۳	۴۸۰/۶	۴۸۷/۱	۴۹۶/۸	۵۰۷/۴	۵۰۴/۱	۵۰۴/۱	۵۰۵/۹	۵۱۰/۲	۵۲۴/۷

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

بنابراین باید یکی از دلایل ماندگاری و تشدید رکود تورمی را نگاه غیر صحیح به مسائل اقتصاد ایران دانست.

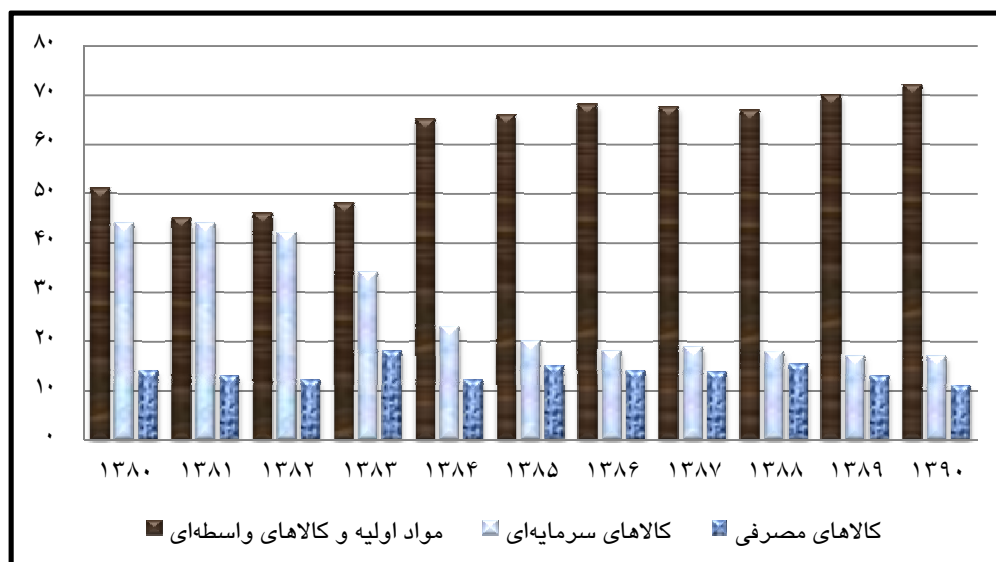
۳. در نظر گرفتن شرایط ساختاری؛ دومین رکن اساسی سیاستگذاری به منظور برون‌رفت از شرایط رکود تورمی

اساساً تحلیل متغیرهای اقتصادی باید براساس نگاه‌های واقع‌بینانه و رعایت شرایط ساختاری و اقتصاد سیاسی کشور ارائه شود. بنابراین برای برون‌رفت از این وضعیت، چاره‌ای جز تصحیح نگاه‌ها نیست و برای تصحیح آن باید نگاهی جامع‌تر و عمیق‌تر به مسائل داشت. لحاظ جنبه‌های ساختاری اقتصاد ایران نیز شرایط کنونی رکود تورمی اقتصاد را خوب توضیح می‌دهد.

۳-۱. وابستگی تولید به واردات و فقدان سیاستگذاری‌های مناسب ارزی

تولید در اقتصاد ایران وابسته به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای است (نمودار ۴).

نمودار ۴. سهم واردات مواد اولیه و واسطه‌ای، کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای مصرفی از کل واردات



مأخذ: گزارش‌های اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

در مواقع وفور درآمدهای ارزی، واردات افزایش یافته و موجب تضعیف بنیه تولید داخل می‌شود و در مواقع کمبود درآمدهای ارزی، از ناحیه عدم قابلیت دسترسی به منابع ارزی و نیز از ناحیه قیمت ارز، تولید داخلی به شدت با مشکل مواجه می‌شود. نگاه پولی به اقتصاد در مواقع



کمبود ارز به عنوان تعدیل نرخ ارز نسبت به تورم و ضرورت افزایش نرخ ارز برای افزایش صادرات، سیاستگذار را تشویق به افزایش نرخ ارز می‌کند. قاعداً اگر زمینه تصحیح نرخ ارز فراهم باشد باید هم صادرات را ارتقا دهد، هم واردات را محدود کند و هم موجب ثبات و آرامش اقتصاد و قرار گرفتن آن در وضعیت یکنواخت جدید شود. اما در ایران، چنین زمینه‌ای فراهم نیست و عملاً اقتصاد در یک مارپیچ خودتقویت‌شونده ارز- تورم قرار می‌گیرد و قیمت‌های نسبی که به‌طور موقت قدری تصحیح شده بود دوباره به حالت قبلی خود برمی‌گردند.

۲-۳. عدم پویایی و خودتعدیل‌شوندگی تکنولوژی تولید در اقتصاد ایران

ویژگی دیگر ساختاری اقتصاد ایران این است که تکنولوژی تولید در کشور پویا، حساس و خودتعدیل‌شونده نیست. لذا تعدیل تکنولوژی نسبت به قیمت انرژی و مقتضیات زیست‌محیطی بسیار کند انجام می‌شود. اساساً نوآوری، پویایی تعدیل نسبت به شرایط، انرژی اندوزی و انعطاف‌پذیری نسبت به شرایط، موضوعیت چندانی ندارد. لذا وقتی قیمت نهاد انرژی در اقتصاد چند برابر می‌شود تکنولوژی نمی‌تواند خود را به سمت انرژی‌اندوزی بیشتر تعدیل کند و هزینه‌های تولید به شدت افزایش یافته و موجب محدودیت عرضه کل و کاهش تولید و اشتغال می‌شود، اما نگاه قیمتی صرف به موضوعات مدعی است که این افزایش قیمت‌ها به تصحیح تکنولوژی علامت داده و آن را اصلاح می‌کند. البته اگر بسترهای نهادی و ساختاری و سیاسی این کار فراهم شود قطعاً قیمت‌ها به تعدیل تکنولوژی علامت خواهند داد. اما صرف تغییر قیمت بدون ایجاد بسترهای مذکور تنها به محدود شدن توان تولید اقتصاد منتج می‌شود. ملاحظه وضعیت شاخص‌های متعدد اقتصادی از سال ۱۳۸۹ به بعد گویای این است که شوک‌های ارزی و افزایش قیمت‌های انرژی چگونه اقتصاد ایران و وضعیت رشد و تولید آن را در محدودیت قرار داده است. این وضعیت به معنی زیر سؤال رفتن علامت‌دهی قیمت‌ها نیست، بلکه به معنی ضرورت لحاظ جنبه‌های ساختاری و اقتصاد سیاسی موجود در اصلاحات اقتصادی مخصوصاً اصلاحات قیمتی است.

۳-۳. گسترش فعالیت‌های نامولد و هدایت منابع مالی به سمت آنها

رواج فعالیت‌های نامولد، از دیگر مشخصه‌های ساختاری اقتصاد ایران است. این بخش با تصاحب درآمدها و بازدهی بالا طبق قاعده بازی اجتماعی با جمع صفر، بازدهی بخش‌های مولد را به شدت محدود کرده است. هزینه فرصت منابع برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مولد را به شدت بالا برده است و با اختصاص منابع محدود اقتصاد به خوددسترسی بخش‌های مولد به منابع پولی و مالی را با مشکل مواجه ساخته است.

۳-۴. عدم دسترسی بنگاه‌های تولیدی به نقدینگی و بالا بودن نرخ بهره

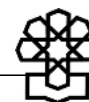
طبق اظهار نظر مسئولین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، یکی از مشکلات اساسی بنگاه‌های تولید در سال‌های اخیر عدم دسترسی به نقدینگی و سرمایه در گردش بوده است. البته مقامات این بانک گفته‌اند که تا دو سال قبل اولین مشکل آنها نقدینگی بوده است، اما بعد از بحران ارزی مشکل اول آنها قابلیت دسترسی به ارز است و مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش در رتبه دوم بعد از ارز جای گرفته است. بررسی‌های دیگر هم این وضعیت را تأیید می‌کند.

جدول ۲. مقایسه مساعدترین و نامساعدترین ارزیابی‌ها از مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار ایران در سال ۱۳۹۱

عنوان	زمستان ۱۳۹۱	نمره	تابستان ۱۳۹۱	نمره	پاییز ۱۳۹۱	نمره	بهار ۱۳۹۱	نمره
نامساعدترین مؤلفه‌های ارزیابی شده (۱۰ بدترین ارزیابی)	بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه	۸/۰۱	بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه	۷/۹۵	بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه	۸/۶۱	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۷۹
	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۵۱	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۶۶	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۷/۶۱	بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه	۷/۳۱
	اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور	۶/۸۶	اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور	۷/۰۷	اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور	۷/۱۴	ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۶/۷۷
	ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۶/۸۲	ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۷/۷۹	ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی	۶/۷۸	اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور	۶/۷۶

مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پایش محیط کسب‌وکار در زمستان ۱۳۹۱.

نرخ سود بانکی هم از موانع دیگر پیش‌روی تولید است. در ایران، تورم به‌صورت متناسب عمل نمی‌کند و مقایسه PPI و CPI در سه ماهه اول ۱۳۹۳ به خوبی این مدعا را تأیید می‌کند. لذا در فعالیتهای نامولد و سوداگرانه که اخیراً در اقتصاد ایران گستره وسیعی پیدا کرده است، بازدهی‌ها بالاست و تسهیلات با نرخ بهره بالا نیز جذاب است، اما در بخش‌های مولد هزینه استفاده از سرمایه بالاست و لذا نرخ‌های بهره بالا هزینه تولید را به شدت بالا می‌برد و موجب محدود شدن فعالیتهای مولد می‌شود.



جدول ۳. نرخ‌های بهره بخش‌های مختلف اقتصادی

کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	بازرگانی	صادرات	سال
۱۱ تا ۵	۱۱ تا ۸	۱۱ تا ۸	۱۳	۱۳	۱۳۵۲
۱۱ تا ۵	۱۱ تا ۸	۱۱ تا ۸	۱۳	۹	۱۳۵۳
۱۱ تا ۵	۱۱ تا ۸	۱۱ تا ۸	۱۳	۹	۱۳۵۴
۱۲ تا ۵	۱۱ تا ۹	۱۱ تا ۹	۱۳	۹	۱۳۵۵
۱۲ تا ۵	۱۱ تا ۹	۱۱ تا ۹	۱۴	۹	۱۳۵۶
۱۲ تا ۵	۱۱ تا ۹	۱۱ تا ۹	۱۴	۹	۱۳۵۷
۸ تا ۴	۱۰ تا ۶	۸ تا ۴	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۵۸
۸ تا ۴	۱۰ تا ۶	۸ تا ۴	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۵۹
۸ تا ۴	۱۰ تا ۶	۸ تا ۴	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۰
۸ تا ۴	۱۰ تا ۶	۸ تا ۴	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۱
۸ تا ۴	۱۰ تا ۶	۸ تا ۴	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۲
۸ تا ۴	۱۲ تا ۶	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۳
۸ تا ۴	۱۲ تا ۶	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۴
۸ تا ۴	۱۲ تا ۶	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۵
۸ تا ۴	۱۲ تا ۶	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۶
۸ تا ۴	۱۲ تا ۶	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۷
۸ تا ۴	۱۲ تا ۶	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۲ تا ۸	۱۳۶۸

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سری‌های زمانی.

برای مثال، در سال ۱۳۹۳ اعمال سیاست‌های انقباضی پولی موجب شده است که بنگاه به لحاظ سرمایه در گردش و وجوه سرمایه‌گذاری به شدت در تنگنا قرار گیرند و اگر برای رفع آن فکری نشود رکود تورمی در اقتصاد عمیق و ماندگارتر خواهد شد. اما دیدگاه پولی مدعی است که تأمین نقدینگی بنگاه‌ها موجب رشد نقدینگی و تورم شده و نهایتاً نیاز بنگاه‌ها به نقدینگی را تشدید می‌کند. درحالی که نظریه دکنترین بروات حقیقی در مقابل پول‌گرایان استدلال می‌کند که اگر نقدینگی تولید تأمین شود انتشار بیش از حد پول اتفاق نخواهد افتاد. این در حالی است که صاحبان ایده پول‌گرایی محدود هیچ اشاره نمی‌کنند که در سال‌های گذشته چقدر نقدینگی به صورت تسهیلات در اختیار بخش‌های نامولد و فعالیت‌های سوداگرانه قرار گرفته است.

جدول ۴. سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات بانکی

کشاورزی	صنعت و معدن	ساختمان و مسکن	بازرگانی-خدمات	سال
۸/۶	۳۰/۷	۱۷	۴۳/۷	۱۳۹۰
۹	۳۱/۷	۱۳/۵	۴۵/۸	۱۳۹۱

مأخذ: اعظم احمدیان، ۱۳۹۲.

راهکار این است که نقدینگی را از بخش‌های نامولد دریغ و به بخش‌های مولد تخصیص داده شوند. اما آنچه انجام شده و می‌شود عکس این قضیه است. حتی وقتی سیاست پولی انقباضی اعمال می‌شود در شبکه غیرشفاف بانکی بخش‌های نامولد به برخورداری خود از منابع پولی و تسهیلات ادامه می‌دهند و این انقباض متوجه فعالیت‌های مولد در بنگاه‌ها می‌شود.

به نظر نگارنده نقش محدودکننده بخش نامولد برای اقتصاد، نقشی قابل ملاحظه مبنایی و بلندمدت است. اساساً وقتی فعالیت‌های نامولد در اقتصاد زیاد باشد و درآمدهای بسیار بالایی بر آنها مترتب باشد در مقیاس کل اقتصاد تمام این درآمدها باید از ناحیه سهم عوامل تولید در حوزه فعالیت‌های مولد تأمین شود. یعنی برخورداری این بخش باید به قیمت کاهش دستمزد، سود و اجاره انجام شود و این علاوه بر اینکه مازادها را در اقتصاد برای سرمایه‌گذاری و پس‌انداز کاهش می‌دهد موجب یأس عوامل مولد می‌شود و به نظر می‌رسد اگر برای محدود کردن گستره این بخش فکری نشود اقتصاد ملی رشد بالا و مستمر را تجربه نخواهد کرد.

پیشنهاد مشخص این قسمت آن است که مقامات پولی تا دیر نشده به کمک هماهنگی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اتاق تعاون و اتاق اصناف کشور، نقدینگی و سرمایه در گردش بنگاه‌های گرفتار رکود را تأمین کند و متقابلاً با نظارت و پیگیری سعی شود وام‌ها در جای خود استفاده شود و در ازای آن به کارآیی، ارتقا و کیفیت و افزایش تولید و اشتغال اهتمام شود. اما نگاه پولی سطحی به اقتصاد کلان موجب شده است که در کل سیاست انقباضی پولی اعمال شود (بی‌توجه به اینکه کدام بخش تأمین شود و کدام نشود) و رکود شدید بر اقتصاد سایه افکند. البته مقامات پولی می‌گویند تسهیلات زیادی به تولیدکننده‌ها اعطا شده است، اما در مقابل، صاحبان کسب‌وکار مدعی‌اند که بخش زیادی از این تسهیلات به استمهال وام‌های معوق مربوط می‌شود.

۳-۵. ضعیف بودن حمایت از تولید

اساساً حمایت از تولید در اقتصاد ایران بسیار ضعیف است. در جداول ۵، ۶ و ۷ حمایت دولت‌ها از تولید ملی و سرمایه‌گذاری‌های مولد مقایسه شده است. آمارهای موجود حاکی از آن است که قیمت برق و گاز طبیعی مصرف شده در بخش صنعتی در اکثر کشورها، کمتر از قیمت مصرف این حامل‌های انرژی در بخش مسکونی و خانگی بوده است (جدول ۵). حال آنکه ارقام مندرج در جدول ۶ گویای این نکته است که در ایران، دقیقاً سیاستگذاری معکوسی در حوزه قیمتگذاری انرژی برای مصارف مختلف صورت گرفته است.



جدول ۵. مقایسه قیمت برق برای مصارف صنعتی یا خانگی در کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۰

کشور	قیمت برق مسکونی (دلار به ازای هر کیلووات ساعت)	قیمت برق صنعتی (دلار به ازای هر کیلووات ساعت)	قیمت گاز خانگی (دلار به ازای هر ۱۰۰ کیلوکالری)	قیمت گاز طبیعی صنعت (دلار به ازای هر ۱۰۰ کیلوکالری)
ترکیه	۰/۱۶۵۱	۰/۱۳۷۶	۵۶۸/۹۹	۴۶۷/۶۲
انگلستان	۰/۲۰۶	۰/۱۳۵	۷۹۹/۶۹	۳۲۳/۶۷
آمریکا	۰/۱۱۵۵	۰/۰۶۸۴	۴۵۹/۹۸	۲۰۲/۶۱
کره جنوبی	۰/۰۷۶۹	۰/۰۵۷۸	۵۲۳/۱۲	۴۷۹/۴۸
ژاپن	۰/۲۲۷۶	۰/۱۵۷۸	---	---
ایتالیا	۰/۲۸۴۲	۰/۲۷۶۱	۵۹۰/۵۰۱	۵۵۷/۶۸
فرانسه	۰/۱۵۹۲	۰/۱۰۶۷	۸۴۷/۸۸	۴۳۸/۸۸
دانمارک	۰/۳۶۵۵	۰/۱۱۰۶	۳۳۰/۵۶۱	۷۵۲/۱۴
چک	۰/۱۹۲۱	۰/۱۴۷۷	۸۱۵/۰۱	۵۲۸/۰۳
فنلاند	۰/۱۷۳۷	۰/۰۹۷۴	۴۷۴/۳۶	۳۳۲/۷۶
مجارستان	۰/۲۰۶۲	۰/۱۵۹۷	۷۱۶/۹۳	۶۱۱/۴۴

Source: International Energy Agency (IEA), Key World Energy Statistics, 2010, Pages 42-43.

جدول ۶. مقایسه بهای برق و گاز طبیعی مصرفی در بخش خانگی و صنعتی در ایران

سال	برق خانگی (ریال به کیلووات ساعت)	برق صنعتی (ریال به کیلووات ساعت)	گاز طبیعی خانگی (ریال به مترمکعب)	گاز طبیعی صنعتی (ریال به متر مکعب)
۱۳۸۴	۱۰۲/۷	۲۰۱/۶	۸۰	۱۳۹
۱۳۸۵	۱۰۲/۹	۲۰۰/۴	۸۰	۱۳۹
۱۳۸۶	۱۲۴/۷	۲۰۵/۹	۱۱۳	۱۵۹
۱۳۸۷	۱۱۹/۳	۲۰۴/۶	۱۱۲	۱۵۹
۱۳۸۸	۱۲۹	۲۰۶	۸۱/۹	۱۵۸/۵
۱۳۸۹	۱۴۲/۳	۲۶۳/۶	۱۳۲ قبل از هدفمندی ۵۲۷ بعد از هدفمندی	۱۸۸/۵ قبل از هدفمندی ۷۰۰ بعد از هدفمندی
۱۳۹۰	۳۳۴/۸	۴۴۱/۹	۷۰۰	۷۰۰

مأخذ: وزارت نیرو، ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۰.

جدول ۷. وضعیت اعتبارات داخلی به بخش خصوصی (درصد از GDP) در اقتصاد کشورهای منتخب

سال	ایران	برزیل	ترکیه	هند	مالزی	کره جنوبی	ژاپن	چین
۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۱۶/۵	۴۱/۳	۲۲/۸	۲۳	۱۴۱/۶	۵۶/۸	۲۰۲/۴	۹۰/۳
۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۱۸	۴۱/۴	۲۶/۳	۲۳/۱	۱۵۸/۴	۶۲/۵	۲۱۴/۶	۹۷/۶
۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۱۹/۴	۳۰/۲	۱۷/۲	۲۳/۳	۱۵۸/۵	۶۸/۶	۲۲۴/۷	۱۰۶/۲
۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۱۹/۶	۳۰/۵	۱۶/۶	۲۵	۱۴۹/۲	۷۴/۷	۲۲۷/۸	۱۱۱/۵
۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۱۹/۵	۳۱/۷	۱۷/۸	۲۷/۹	۱۳۵	۷۷/۵	۲۱۹/۳	۱۱۲/۳
۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۲۳/۱	۳۰/۴	۱۵/۴	۲۸/۱	۱۲۹/۱	۱۱۲	۱۸۹/۶	۱۱۳
۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۲۲/۳	۳۰/۷	۱۴/۵	۳۱/۷	۱۲۱/۸	۱۲۲/۷	۱۸۶/۹	۱۱۸/۹
۲۰۰۳ (۱۳۸۲)	۲۶/۳	۲۸/۷	۱۴/۵	۳۱/۱	۱۱۹	۱۲۱/۳	۱۸۶/۲	۱۲۷/۲
۲۰۰۴ (۱۳۸۳)	۲۹	۲۹	۱۷/۳	۳۵/۶	۱۱۱/۹	۱۱۶/۳	۱۷۸/۹	۱۲۰/۱
۲۰۰۵ (۱۳۸۴)	۳۰	۳۱/۴	۲۲/۲	۳۹/۴	۱۰۶/۵	۱۲۲/۱	۱۹۲/۹	۱۱۳/۳
۲۰۰۶ (۱۳۸۵)	۳۳/۶	۴۰/۳	۲۵/۹	۴۳/۲	۱۰۳/۷	۱۳۵/۲	۱۸۸/۷	۱۱۰/۷
۲۰۰۷ (۱۳۸۶)	۳۷/۳	۴۷/۹	۲۹/۵	۴۴/۸	۱۰۱/۶	۱۴۴/۳	۱۸۱/۱	۱۰۷/۵
۲۰۰۸ (۱۳۸۷)	۳۲/۲	۵۳/۱	۳۲/۶	۴۸/۵	۹۶/۷	۱۵۹/۶	۱۷۶/۱	۱۰۳/۷
۲۰۰۹ (۱۳۸۸)	۳۳/۵	۴۸/۹	۳۶/۵	۴۷/۳	۱۱۱/۶	۱۵۶/۳	۱۸۳/۴	۱۲۷/۲
۲۰۱۰ (۱۳۸۹)		۵۴/۴	۴۴/۲	۴۹/۵	۱۱۰/۴	۱۴۶/۶	۱۷۵	۱۲۹/۹
۲۰۱۱ (۱۳۹۰)	---	۶۱/۳	۵۰	۴۹/۹	۱۱۱/۸	۱۴۹	۱۷۴/۸	۱۲۷
۲۰۱۲ (۱۳۹۱)	---	۶۸/۴	۵۴/۴	۵۱/۵	۱۱۷/۸	۱۴۸	۱۷۶/۷	۱۳۳/۷

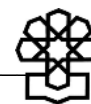
Source: World Bank, World Data Bank, World Development Indicators.

توضیح: وضعیت اعطای اعتبارات به بخش خصوصی به GDP کشورها منعکس کننده آن است که در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر، بخش کمتری از نیازهای مالی بخش تولید از طریق سیستم بانکی تأمین می‌شود.

با مقایسه این جداول و در نظر گرفتن واقعیت‌های اقتصادی کشور می‌توان گفت که در اقتصاد ایران نه برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه برای گسترش تولید فناورانه همراه با رشد بالا و مستمر وجود دارد نه از وضعیت ضعیف موجود تولید در برابر بازارهای راکد و سلطه بخش نامولد حمایتی به عمل می‌آید.

۳-۶. عدم تناسب میان فعالیت‌ها و اندازه بنگاه‌ها و نبود تعامل‌های مکمل میان صنایع مختلف

مشکل ساختاری دیگر اقتصاد ایران عدم تناسب میان فعالیت‌ها، اندازه بنگاه‌ها و نبود تعامل‌های مکمل میان صنایع بزرگ، متوسط و کوچک و فعالیت‌های بخشی است. بنگاه‌های بزرگ مقیاس کشور تا حد بالایی وابستگی به واردات دارند. صنعت ماشین‌سازی ما به روز نیست و ضعف قابل ملاحظه‌ای دارد و مبنای وابستگی اقتصاد به خارج صنایع ماشین‌سازی است. در این صنایع آنقدر به جنبه‌های سخت‌افزاری توجه می‌شود و جنبه‌های نرم‌افزاری با وجود اهمیت بالایی که دارد مورد



توجه نیست. لذا نوآوری‌های پویا و رشد دانش‌های ضمنی در این قلمرو بسیار ضعیف است. صنایع کوچک و متوسط که به صورت خودجوش و بدون توجه به مقیاس و کارایی و اندازه بازار و بدون برنامه‌ریزی‌های استراتژیک ارشادی و بدون نظارت به وجود آمده‌اند در کنار صنایع بزرگ، مجموعه‌ای مکمل، زنده و پویا که در آن تناسب‌ها و تعامل‌های منطقی ملحوظ شده باشند را انعکاس نمی‌دهد. بسیاری از همین صنایع کوچک و متوسط هم در معرض تعطیلی‌اند و با محدودیت‌ها و مزاحمت‌های بخش نامولد و کمبود تقاضای داخلی و خارجی مواجهند و از هیچ نوع حمایت مشهود و مؤثری هم از ناحیه دولت برخوردار نیستند.

برای برون‌رفت از رکود عمیق موجود چاره‌ای جز حمایت از صنایع کوچک و متوسط وجود ندارد و ضروری است با همکاری و تعامل با تشکل‌های بخش خصوصی و تعاونی، رشد تولید تا حد قابل ملاحظه‌ای از مجرای این صنایع دنبال شود، البته در میان‌مدت به مسائل مقیاس و کارایی و دانش فنی آنها هم توجه شود و در این فرآیند باید رونق صنایع مذکور تأمین‌کننده نیازهای مکمل اقتصاد و تنوع منطقی و هم تقویت‌کننده فعالیت‌ها و کسب‌وکارها باشد در صنایع بزرگ هم باید نیازهای اساسی تولید و صنایع کوچک و متوسط در نظر گرفته شود و صنایع پایین‌دستی تولیدات فرآیندی مورد توجه قرار گیرد.

اما عملاً صنایع و تولیدات صنعتی مورد حمایت نیستند و برای رشد پویای آنها برنامه‌ای در کار نیست. بسیاری از آنها از سرمایه در گردش لازم برای هزینه‌های عملیاتی ماهیانه خود بی‌بهره‌اند. باید با حمایت‌های هوشمند این صنایع را کارآمدتر ساخت و ترتیبی فراهم کرد که صنایع بزرگ بتوانند وارد بازار سرمایه شوند و وجوه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری و گسترش مقیاس و سرمایه در گردش خود را از طریق بازار سرمایه تأمین کنند، البته تا این وضعیت محقق نشده نظام بانکی باید با بررسی و نظارت و پیگیری نیازهای این صنایع را تأمین کند. تفکر پولی نباید با این توجیه که کارایی سرمایه و وجوه در بنگاه‌های بزرگ مقیاس ناچیز و یا منفی است بنابراین تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ را به بازار سرمایه سپرد این صنایع را دچار محدودیت بیشتر کرد. ضمن اینکه بازار سرمایه هم با سوءتدبیرهای اخیر در حال حاضر با بی‌اعتمادی و یأس پس‌اندازکنندگان مواجه است. تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط هم عمدتاً باید از طریق نظام بانکی انجام شود اگرچه ورود صنایع متوسط به بازار سرمایه هم ممکن و هم مطلوب است.

نگاه پولی به اقتصاد، اهاله تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ به بازار سرمایه را مورد تأکید قرار می‌دهد، اما با توجیه سیاست‌های پولی و مالی انقباضی، رواج نرخ‌های بهره بالا و بی‌تفاوتی نسبت به فعالیت‌های سوداگرانه و نامولد، زمینه‌های کاهش سود بنگاه‌ها و روگردانی وجوه از بازار سرمایه را فراهم می‌کنند. از این مهمتر، پس از اعمال شوک درمانی (افزایش مرحله دوم قیمت

حامل‌های انرژی) که بر دیدگاه مذکور مبتنی بود قیمت تولیدکنندگان را تثبیت کردند و با وجود رشد حدود ۴۰ درصدی هزینه‌های انرژی به آنها مجال افزایش قیمت ندادند. تفاوت شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده در بهار امسال به خوبی این واقعیت را تأیید می‌کند.

جدول ۸. مقایسه شاخص بهای مصرف‌کننده و تولیدکننده

ماه	رشد شاخص CPI	رشد شاخص PPI
فروردین ۱۳۹۳	۱/۲	۲/۸
اردیبهشت ۱۳۹۳	۱/۲	۲/۳

مأخذ: محاسبات محقق بر اساس آمارهای اقتصادی، شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده منتشر شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

اینها همه زمینه‌های رکود صنعتی و روگردانی وجوه از بازار سرمایه را تشدید می‌کند و موجب می‌شود در عرض چند ماه حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان از ارزش دارایی‌های مالی مردم کاسته شود و جو بی‌اعتمادی و یأس بر بازار سرمایه گسترده شود. رکود بازار سرمایه موجب محدودیت تأمین مالی بنگاه‌ها می‌شود و محدودیت مالی بنگاه‌ها موجب افت تولید و سود بنگاه شده و وضعیت بازار سرمایه را بدتر می‌سازد.

۳-۷. فقدان سیاستگذاری‌های صحیح تجاری

یکی دیگر از واقعیت‌های ساختاری اقتصاد ایران وابستگی تولید صنعتی و حتی کشاورزی به کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه وارداتی است. ما در گذشته به اشتباه در مورد کالاهای مصرفی جایگزینی واردات اجرا کرده‌ایم، اما در جایگزینی واردات در مورد کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای موفق عمل نکرده‌ایم لذا وقتی اقتصاد با مشکل کمبود و بی‌ثباتی ارز مواجه می‌شود حتی بنگاه‌های تولید کالاهای مصرفی با محدودیت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مواجه می‌شوند و اقتصاد از این ناحیه دچار رکود می‌شود. بنابراین باید جایگزینی واردات در مورد کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای را مورد توجه جدی قرار دهیم و برای اجرا و تأمین مالی آن برنامه‌ریزی کنیم. وجوه صندوق توسعه ملی می‌تواند تأمین‌کننده بخشی از این منابع باشد.

۳-۸. ضعف تحقیق، توسعه، نوآوری و ابداع در بنگاه‌های صنعتی

یکی دیگر از ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران این است که تحقیق و توسعه و نوآوری و ابداع در بنگاه‌های صنعتی ضعیف است، دانش‌های ضمنی انباشت شده در صنایع کوچک و متوسط با وجود



اهمیت و ارزش بالایی که دارد به خاطر تعطیلی بنگاه‌های کوچک و متوسط و چرخش کارآفرینان آنها به شغل‌های آسان‌تر و کم‌خطرتر در معرض نابودی است. بی‌ثباتی‌های قیمتی، فشارهای هزینه‌ای و محدودیت و مزاحمت‌های بخش نامولد مجالی برای توجه به تحقیق و توسعه و نوآوری باقی نگذاشته است. نگاه پولی به اقتصاد صرفاً راهکار ارتقای فناوری و دانش فنی و نوآوری را رقابت قیمتی می‌داند درحالی که تا وقتی رقابت‌پذیری فنی، نهادی، مدیریتی تأمین نباشد رقابت قیمتی کارآمد نخواهد بود.

۴. ضرورت لحاظ متغیرهای اقتصاد سیاسی؛ سومین رکن اساسی سیاستگذاری خروج از رکود تورمی

از جنبه اقتصاد سیاسی نیز اقتصاد ایران دچار تنگناهای متعددی است بودجه شفاف نیست. قلمرو بودجه جاری، عمرانی، بازتوزیع و رفاهی و بودجه شرکت‌های دولتی به صورت غیرشفاف در هم تنیده شده است و این منشأ بروز فساد در اقتصاد شده است. نظام بانکی هم شفاف عمل نمی‌کند و هم فساد در بخش حقیقی را تأمین پولی می‌کند، هم خود منشأ بعضی فسادهاست. قاچاق سازمان‌یافته بسیار گسترده است. مخصوصاً قاچاق در حوزه واردات، عرصه را بر تولیدکنندگان داخلی تنگ کرده است و حتی بعضی کسب‌وکارها را از صحنه اقتصاد کشور حذف کرده است. فعالیت سوداگران روی زمین و مسکن بسیار گسترده است. حضور سوداگران با حمایت ضمنی بانکها مخصوصاً بانک‌های خصوصی زمینه پرش‌های قیمتی شدید در این بخش را فراهم کرد.

به دنبال آن تبدیل اراضی کشاورزی و دامنه‌ها با مناطق مسکونی و زمین‌خواری‌های گسترده موضوعیت یافت. رواج بازدهی‌ها در این بخش در سال‌های اخیر نتیجه تشدید فعالیت‌های سوداگران در این بخش بوده است به طوری که الان این بخش زمین‌گیر شده است و عمدتاً از ناحیه نبود تقاضا به خاطر عدم تناسب درآمد آحاد جامعه با قیمت مسکن در ورطه رکود افتاده است و به دنبال رکود مسکن، بسیاری از صنایع مرتبط هم دچار رکود شده‌اند. رواج واسطه‌گری‌های چندلایه در بخش توزیع و واسطه‌گری و ایجاد فاصله زیاد میان قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده هم زمینه کاهش تقاضا، هم کاهش سهم عوامل تولید را فراهم آورده است. در این وضعیت اقتصاد سیاسی با اعمال سیاست پولی و مالی انقباضی چگونه می‌توان از وضعیت رکود تورمی خارج شد. آیا وجود گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ که بدون لحاظ منافع ملی کشور، منافع کوتاه‌مدت خود را دنبال می‌کنند حتی اگر محدودیت منابع پولی و ارزی هم کم شود مجالی برای اصلاح اقتصادی و برون‌رفت از مشکلات باقی می‌گذارند؟ بنابراین نکته بسیار مهم در اینجا این است که باید با لحاظ مشکلات ساختاری و وضعیت مسائل مربوط به وضعیت موجود اقتصاد سیاسی سیاستگذاری

کرد. اساساً بعد از محدود کردن فساد، شفاف کردن بودجه و نظام بانکی و تقویت نهاد نظارت و ارزیابی است که سیاست‌های پولی و مالی اثرگذار می‌شوند و تنها در این صورت است که برای برون‌رفت از مشکلات و بحران‌ها می‌توان از آنها به‌عنوان ابزار استفاده کرد. نمی‌توان بدون محدود کردن جولانگاه فعالیت‌های پردرآمد نامولد، میدان را برای فعالیت‌های مولد و رشد بالا و مستمر بازتر کرد.

۵. راهکارها و پیشنهادهای خروج اقتصاد ایران از شرایط رکود تورمی

با عنایت به توضیحات مذکور مشاهده می‌شود که تصحیح نگاه‌ها به مسائل اقتصاد کلان، لحاظ واقعیت‌های ساختاری و در نظر گرفتن متغیرهای مربوط به حوزه اقتصاد سیاسی به‌عنوان سه رکن اساسی برای سیاستگذاری‌های مؤثر و تحقق اهداف سیاسی باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد. در همین راستا این گزارش برای برون‌رفت از شرایط رکود تورمی موجود اقدامات زیر را ضروری می‌داند.

۱. جهت‌دهی منابع پولی و مالی و ارزی به سمت فعالیت‌های مولد با نظارت کامل دولت، نظام بانکی و صنوف مربوطه و به‌صورت مشروط و در ازای افزایش تولید و ارتقای کیفیت و فناوری. در حال حاضر، منابع پولی و مالی عمدتاً صرف فعالیت‌های سوداگرانه و نامولد می‌شود. برخی از فعالیت‌های بانک‌های خصوصی اساساً اختلال‌زاست و به‌جای اعتلا و رشد تولید در جهت فعالیت‌های نامولد و مزاحم تولید تنظیم شده است. لذا نظارت کردن بر کل جریان نقدینگی از ضرورت‌های حاضر است، البته کمک پولی و مالی به‌عنوان تولید هم باید با نظارت دقیق همراه باشد. لذا سیاست پولی انبساطی‌گزینه‌ای برای تولید و سیاست پولی انقباضی‌گزینه‌ای برای فعالیت‌های دیگر. یکی از راهکارهای اساسی در این حوزه است. منابع ارزی هم ابتدا باید جهت تأمین نیازهای بنگاه‌ها برای کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه اختصاص یابد لذا برای تولید هم قابلیت دسترسی آسان به ارز مهم است هم ثبات قیمت ارز. نمی‌توان ارز گران و بی‌ثبات در اختیار تولیدکننده قرار داد و انتظار کاهش قیمت‌ها و تورم هم داشت.

۲. اعمال کنترل قیمت نهاده‌های تولید و حذف واسطه‌گری‌های چندلایه در تأمین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای. اساساً با آزاد گذاشتن واسطه‌ها و دلالتان در بی‌ثبات کردن قیمت نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای آزاد و کنترل قیمت تولیدکننده، تولید نابود می‌شود. حتی وقتی قیمت انرژی افزایش می‌یابد باید به تولیدکننده کمک کرد (و بعد هم الزام کرد) که ساختار فنی خود را اصلاح کند. نه اینکه در ساختار فنی موجود، نهاده انرژی را گران کرد و انتظار تثبیت قیمت تولیدکننده را داشت.



۳. تنظیم و اصلاح مقیاس بنگاه‌ها. اگر تعداد زیادی بنگاه بدون تنظیم و هماهنگی مبادرت به تولید یک محصول با بازار محدود نمایند قیمت تمام شده آنها بالا خواهد بود. لذا رقابت‌پذیری لازم برای صادرات را تأمین نمی‌کنند و با کالاهای وارداتی هم رقابت نخواهند کرد.

۴. تنظیم سیاست‌های تجاری در جهت حمایت از تولید داخلی و رفع انحصار در واردات نهاده‌ها و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و جلوگیری از واردات کالاهای رقیب تولید داخل و حمایت مشروط از تولیدکننده داخلی از این مجرا. در شرایط ضعف تولید داخلی و نبود رقابت‌پذیری حمایت تجاری از تولید یک ضرورت است، اما حمایت باید مشروط و محدود و زمان‌دار باشد و حمایت‌شونده هم، مسئولیت‌های خود را تشخیص داده و اجرا کند. متأسفانه عرصه تجارت خارجی در کشور با پدیده انحصار، منفعت‌طلبی‌های خاص و فساد آمیخته است و باید برای سالم‌سازی آن اقدام عاجل صورت گیرد. در این شرایط سازوکارهای تجاری کارکرد گمرک و مناطق آزاد باید تجلی مسئولیت‌شناسی، پاک‌دستی و اهتمام به منافع ملی و تدبیر و تعقل باشد.

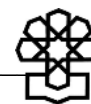
۵. مهار و محدود کردن بخش نامولد. به‌طور کلی در اقتصاد باید تولیدمحور باشد و تجارت و خدمات نقش مکمل داشته باشند. نمی‌توان تجارت و خدمات را متن قرارداد و تولید را در حاشیه جای داد. امروز درآمد اکتسابی^۱ به‌طور کامل و شدید تحت‌الشعاع عایدی سرمایه‌ای و جریان سرمایه‌ای^۲ قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد تا این رویه اصلاح نشود و درآمد اکتسابی اصل و در مقابل عایدی سرمایه‌ای و جریان سرمایه‌ای نقش فرعی پیدا نکنند نباید انتظار داشت اقتصاد پویا و رو به رشد باشد. بخش نامولد از چند مجرای مهم تولید را تحت فشار قرار داده است. اولاً بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع را به‌خود اختصاص داده است. لذا فعالیت‌های مولد با محدودیت در دسترسی به منابع مواجه است. ثانیاً بازدهی‌های بالا در فعالیت‌های مزاحم و نامولد هزینه فرصت منابع برای تولید و سرمایه‌گذاری را بسیار بالا می‌برد. سوم و از همه مهمتر، فعالیت‌های گسترده نامولد اقتصاد را به یک بازی برد - باخت و با جمع صفر تبدیل کرده است. لذا بهره‌مندی عوامل نامولد از درآمدهای بسیار بالا به قیمت محرومیت عوامل مولد (صاحبان سود، دستمزد و اجرا) تمام می‌شود و این باعث تضعیف مستمر تولید می‌شود. با این وضع نمی‌توان به رشدهای بالا و رونق مستمر دست یافت. مگر اینکه به لحاظ مالیات‌ستانی، تخصیص منابع، قوانین محدودکننده و کنترل فساد و نظارت، بخش نامولد که گستره وسیعی از فعالیت مشروع و نامشروع را شامل می‌شود را محدود کرد. نکته قابل ذکر این است که نقش بانک‌های خصوصی و عدم شفافیت نظام بانکی در تسهیل امور فعالیت‌های نامولد بسیار برجسته است و باید شدیداً بر آنها نظارت کرد.

1. Earning Income

2. Flow of Capitalized Income

۶. رکود بخش مسکن برای اقتصاد بسیار مشکل‌زاست ولی باید دید که این مشکل از چه عواملی نشئت می‌گیرد. عمده مشکل اکنون در طرف تقاضاست وقتی در طول پنج سال قیمت مسکن چند برابر می‌شود و جنبه‌های سوداگری آنچنان تشدید می‌شود که همه به ساخت‌وساز در این زمینه اقدام می‌کنند و بانک‌های خصوصی و هلدینگ‌ها و نهادها وارد فعالیت‌های سوداگرانه مسکن می‌شوند در فکر این نیستند که مثلاً آپارتمان متری ۴ میلیون تومان در مناطق جنوب تهران باید توسط کارگر و کارمند خریداری شود و آنها محدودیت درآمد دارند. لذا قرار دادن ساختمان و مسکن در مدار فعالیت‌های سوداگرانه و ایجاد بی‌ثباتی‌های شدید در این بخش، این بخش را به ورطه رکود می‌کشاند. لذا باید با اعطای تسهیلات و کمک‌ها به طرف عرضه و ایجاد ساختمان‌های مسکونی با قیمت منطقی (اما بدون سوبسید) استانداردهای قیمتی در این بازار ایجاد کرد که اقشار متوسط و پایین متوسط بتوانند بدون تحمیل هزینه به دولت تقاضای مسکن نمایند. اعطای وام خرید همراه با جار و جنجال زمینه را برای سوداگران و گرانی بیشتر مسکن فراهم می‌کند تا رفع مشکل آن. باید زمینه‌ای فراهم کرد که در مناطق خوب شهری مردم بتوانند با قیمت تمام شده مناسب (بدون سوبسید) مسکن خریداری کنند. این امر باعث می‌شود سیطره و وجود سوداگران که عامل اصلی اختلال این بخش هستند محدود و تضعیف شود.

۷. باید فنر مارپیچی قیمت‌های کلیدی - تورم را متوقف کرد. اساساً تغییر قیمت‌های کلیدی برای اصلاح قیمت‌های نسبی است. اما چند دهه است که تغییر قیمت‌های کلیدی، مرتباً تکرار شده است و به دنبال آن قیمت‌های دیگر (چه مرتبط و چه نامرتب) حتی بیش از آن قیمت کلیدی افزایش یافته‌اند و روز به روز این فنر قوی‌تر شده است و نه تنها برای تخصیص منابع و رفع اختلال‌ها هیچ اثری نداشته است. بلکه حتی زمینه جولان و گسترش فعالیت‌های نامولد را فراهم کرده است. اقتصاد در شرایط کنونی با رکود تورمی مواجه است و منشأ رکود تورمی طرف عرضه اقتصاد است. شوک درمانی‌های اخیر، خصوصاً پرش‌های ارزی در چند سال گذشته و بنابراین بی‌ثبات شدن انتظارات تورمی و تورم هزینه‌ها و چپاول سوداگران و نامولدها عامل اصلی این وضعیت است. لذا اگر اطمینان وجود دارد که با اصلاح قیمتی، وضعیت نسبی آن تصحیح می‌شود و دوباره به وضع اول باز نمی‌گردد و اساساً کشور را در وضعیت باثبات و تعادلی مطلوب قرار می‌دهد باید این کار را انجام داد، اما اگر قرار است با اصلاح یک قیمتی بعد از چند ماه وضعیت نسبی آن از قبل بدتر شود و هزینه‌های زیادی هم بر اقتصاد تحمیل کند نباید چنین اقدامی را انجام داد. متأسفانه بعضی از مسئولین اقتصادی چارچوب تحلیلی خود را به سطحی تنزل داده‌اند که به این آثار هیچ توجهی نمی‌کنند و تمایل به افزایش مستمر قیمت‌های کلیدی دارند. این رویه مدام اقتصاد را با



بی‌ثباتی مواجه می‌کند و تولید در این شرایط محدود می‌شود.

۸. اگر بسیاری از بنگاه‌ها حمایت شوند و مورد نظارت قرار گیرند و حمایت از آنها به ارتقای کیفیت و اصلاح سازمان کار و تولید آنها مشروط شود، زمینه‌های ارتقای تولید فناورانه و صادرات آنها فراهم می‌شود. تا به حال حمایت همه‌جانبه تجاری و مالی از بنگاه‌ها صورت گرفته است و همین موضوع سبب شده تا آنها به جای ارتقای کیفی، تنها انحصار قیمتی اعمال کنند و حتی کیفیت کالاهایشان را هم تنزل دهند. حمایت‌ها باید در مقابل ارتقای کیفی و رشد فناوری صنعتی انجام شود. لذا باید از این طریق به تأمین رقابت‌پذیری تولیدات داخلی و بهره‌مندی آنها از صرفه‌های مقیاس از طریق صادرات کمک کرد.

۹. ایجاد امنیت برای شغل‌های خودگردان در روستا و حومه شهرها. برای کاهش سرقت و ناامنی بی‌امنیتی لازم است که بخش انتظامی کشور به این موضوع توجه خاص داشته باشد زیرا توجه به آن باعث می‌شود که برای فعالیتهای کوچک‌مقیاس دامداری و کشاورزی انگیزه مناسب شکل گیرد.

۱۰. برنامه‌ریزی برای دستیابی به بازارهای منطقه مخصوصاً عراق از جهت صادرات کالاهای صنعتی و غذایی، صدور خدمات مهندسی، شرکت در پیمانکاری‌ها و مناقصات بزرگ آن کشورها. این امر نیاز به برنامه‌ریزی‌های علمی و دقیق و پیگیری‌های مجدانه مسئولین سیاسی و اقتصادی نیاز دارد.

۱۱. کارآمد کردن بازار سرمایه و بورس سهام برای تأمین وجوه سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها. از طریق ایجاد اطلاعات متقارن و حذف رانت‌های انحصاری و اعمال مدیریت نظارت‌آمیز بر فعالیتهای آن. بازار سهام ما اکنون عمیق نیست و ساختار رقابتی و شفاف ندارد. درحالی که می‌توان از این طریق وجوه پس‌اندازی مردم به خوبی به سمت نیازهای سرمایه‌گذاری جهت داد. جلوگیری از افزایش نرخ سود بانکی و بازدهی فعالیتهای سوداگرانه می‌تواند به جذب سرمایه‌های پس‌اندازی مردم به بازار سهام کمک کند. متقابلاً سرکوب قیمت تولیدکننده و آزاد گذاشتن قیمت نهاده‌ها در شرایط شوک درمانی عامل محدودکننده و راکدکننده بازار سرمایه است.

۱۲. برخلاف تحلیل‌های مکانیکی محاسباتی ساده که برای تأمین کسری بودجه دولت شوک درمانی را توصیه می‌کنند، شوک درمانی‌ها در این خصوص نتیجه عکس می‌دهند و همان‌طور که کراراً تأکید شد وضعیت بودجه دولت را بدتر می‌کنند. یکی از روش‌های تصحیح امور در چنین وضعیتی این است که مقام پولی باید جریان پول و نقدینگی را از امور نامولد و فعالیتهای سوداگرانه با جسارت و شجاعت دریغ داشته و به سوی تولید و امور مولد جهت‌دهی کند. در شرایط کنونی این بخش تولید کالایی است که بیشترین سهم را در تأمین درآمد مالیاتی دولت دارد

این درحالی است که بخش خدمات ۵۰ درصدی تنها ۱۹ درصد مالیات تولید کل را تأمین می‌کند. لذا جهت‌دهی و معطوف کردن منابع ارز و پول به سمت تولید در شرایط فعلی عامل مهم تضعیف‌کننده رکود تورمی است.

تجربه سال‌های گذشته حاکی از سلطه این دیدگاه است که رشد نقدینگی برای تولید واقعی (عملاً نه در اعتقاد) مذموم است و استفاده دولت به‌طور محدود از منابع بانکی در شرایط اضطراری مذموم‌تر، اما عملاً استفاده بخش نامولد از انبوه منابع پولی و بانکی مورد تجویز و تشویق قرار گرفته و حتی بخش عمده‌ای از نقدینگی به‌طور مستمر برای تأمین اهداف این بخش به‌کار برده شده است و در چنین فضایی برای بهبود بودجه دولت بر طبل اجرای شوک درمانی کوبیده می‌شود. این سازوکاری است که هر روز اقتصاد را بی‌ثبات‌تر کرده و تحریم‌های بین‌المللی تحمیل شده به کشور را مؤثرتر و پرخطرتر می‌سازد.

۱۳. ریشه‌کن کردن فساد، برقرار کردن شفافیت‌های پولی و مالی نیاز به زمان زیادی دارد، اما در هر صورت امور بلندمدت را باید در کوتاه‌مدت‌ها انجام داد. لذا بی‌توجهی به مسائل فساد و رانت و قاچاق در سیاستگذاری‌های کوتاه‌مدت موجب تداوم وضع موجود و حتی بدتر شدن آن خواهد شد. لذا در جای جای اقدامات دولت و متصدیان اقتصادی باید منافذ فساد و رانت را مسدود نمود و حتی‌الامکان این عرصه را محدود کرد.

۱۴. اهتمام به تقویت صنایع کوچک و متوسط و جلوگیری از ورشکستگی آنها با رعایت مقتضیات مربوط به مقیاس و کارآیی با تعامل تشکلهای خصوصی و تعاونی.

منابع و مأخذ

۱. احمدیان، اعظم. تحلیل شاخص‌های عملکرد شبکه بانکی در تأمین مالی تولید، پژوهشکده پولی و بانکی، مقاله کاری شماره ۸، ۱۳۹۲.
۲. احمدیان، مریم، شهبازی، موسی و زهرا نعیمی. پایش محیط کسب‌وکار ایران در زمستان ۱۳۹۱؛ ارزیابی ۲۹۰ تشکل اقتصادی سراسر کشور از مؤلفه‌های ملی محیط کسب‌وکار در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، شماره ۱۳۱۰۹، ۱۳۹۲.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ترازنامه اقتصادی، آمار شاخص بهای تولیدکننده، آمارهای بخش پولی کشور، قابل دسترسی در سایت: www.cbi.ir.
۴. وزارت نیرو، ترازنامه انرژی کشور در سال ۱۳۹۰.

5. International Energy Agency (IEA), Key World Energy Statistics, 2010.

6. World Bank, World Data Bank, World Development Indicators, December 2013.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۸۱۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل وضعیت اقتصادی کشور ۸ ارکان سیاستگذاری برای برون‌رفت از شرایط رکود تورمی

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی)

تهیه و تدوین: عباس شاکری

همکار: پریسا مهاجری

متقاضی: کمیسیون اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. رکود تورمی

۲. بخش نامولد

۳. نقدینگی

۴. شوک درمانی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۵/۵